به‌نام خـــــدا
چاپ‌خونه
شماره دهـم | بهـــار ۱۴۰۱
CHAPKHOONEH ART MAGAZINE

۱| نمایشگاه حاضر
Sorry. We're sold out

پیچیده در پلاستیک، مـرزی میـان نقاشی، پیکرتراشی و چیدمان محوتر به نظـر می‌رسد. قدم زدن میان آثار گاه این حس را تداعی می‌کند که زندگی، کاملاً در میان این پلاستیک‌ها بسته‌بندی‌شده... از شما می‌خواهم سطـر پیشین را دوباره بخوانید و به اطراف خود بنگرید. شباهتش را با زندگی دریافتید؟ محاصره‌شدگی در میان اشیا، اشیایی که هدف زندگی را درون خود به‌عنـوان نشـانه محقـق کرده، طوری که این وضعیت با نبـود هیچ هـدفی چنـدان قابل‌تمییز نیست. این نمایشـگاه، ایـن «پیچیدگی در پلاستیکِ به نمایش درآمده»، رویکـردی است به هنر بر اساس تجلی حقیقتِ حاضر در محیط زندگی بشر، برگذشتن است، از هنر در معنای استحسانی. هنرمند از آمیزهٔ مستندات عینی، سازه و عناصر اثَر خود، یک معادل برای زندگی هـرروزمـــان پدید آورده... همسنگ مغاک روزمره.

۲| درباره هنرمند

مهمانـی که حتی حضور ابـدی‌اش در کاشانـه‌ای نَم کشیده هیچ‌گاه عادی نمی‌شود. هرروز اتفاقی جدید را برای میزبان خود رقم می‌زند و شگفتی‌های کوچک را بزرگ و درخشان می‌نمایاند. مجـموعه‌ای که پیش روی شمـاست، مهمـان خانه ذهن میزبان جوانشان، شیدا بردبار است؛ که هنر آموخته‌ی رشته نقـاشی در مقطع کارشناسی و دانشجوی رشتـه پژوهش هنـر در مقطع کارشناسی ارشد است. او از کـودکی فـراگیری تکنیک‌های مختلف نقاشی را آغـاز کرده و هم‌اکنون از متریال‌های مختلـف برای به نمـایش گـذاشتن افکار، دغدغه‌های شخصی و معضل‌های اجتمـاعی، در قـالب نقـاشی و چیدمان استفاده می‌کند؛ با این دیدگاه که فرصتی را بـرای مخـاطبانش بـسازد تا در مقـابل سیـل عظیمـی از رنـگ و احسـاس بایستند و بازتاب خود را در سطـح روبه‌رویـشان شـاهد باشند. حتـی اگـر ایـن سطـح جیـوه‌ی پـشت آینـه باشد.

×| اعضـــــاء چاپ خونه

صاحب امتیاز: خانه هنر شیراز | موتورخونه
مدیر مسئول و دبیر هنری: سپهر سیاح | ٤
ســـردبیـــر: شیـــدا بردبـــار | ۳
دبیـــر پـژوهشـی: مریـم رئیـسی | ۱-۲
ویـــراستـــار: مـرجـــان شعـــائـــری
گـرافیـست: فـــائـــزه غیـــثـــی
تـــصـــویـــر: پـــوریـــا زارع

۳| جستاری کوتاه درباره فلسفه هنـــــــر

در ادامه‌ی بررسی زیبایی‌شناسی در فلسفه هنر، که تاکنون در چاپ‌خونه مکتوب شدند، به نگرش و فعـالیت یکی از مهم ترین و جریان‌سازترین متفکران تاریخ یعنی مارکس رسیدیم. مارکس در موارد زیادی آثار هنری را "تولید" و فعالیت هنری را هـمان نـوعی از " کـــار" قلمداد کرده است؛ لذا بسیاری از راز و رمزهای هنر در این دیدگاه کاسته می‌شود. مارکس برای جامعه ایده‌آل خود که در آن پرولتاریا حاکم بر سرنوشت و زندگی خویش است، برای هنر کارکردی سازنده و خلاق در نظر می‌گیرد و بیان می‌دارد که آنجا توان‌های آفریننده‌ی فرد به‌طور کامل شکل می گیرد و هرکسی می‌تواند تبدیل به رافائل شود. مهم‌تر آنکه در اتوپیای ذهنی مارکس، مَنِش کار زیبایی شناسانه می‌شود؛ در هر شاخه‌ی هنری، هر فرد تکامل می‌یابد و کارش به یک هنر خاص محدود نمی‌ماند. پس کار در این شرایط هنری همگانی است. تصور یکی بودن فن و هنر شباهت زیادی به تعریف «تخنه» در فلسفه یونان باستان دارد. مارکس در باب زیبایی‌شناسی و هنر، آن‌هم به‌صورت اختصاصی، بیانیه‌های زیادی ندارد و نگاهـش بیشتـر متوجه جنبه‌های روبنایـــی آثـار است. بااین‌حال همچنان زیربنای مادی و اقتصادی را مهم و تأثیرگذار می‌پندارد. با توجه به دیدگاه‌ها و شیوه نگرش مارکس، به خوبی می‌توان حدس زد که سبک موردعلاقه‌اش در هنر رئـالیسم بوده است؛ چراکه هنر وابسته به واقعیت را ستایش می‌کرد؛ و هنر در تعریفش وجه خاصی از بیان آگاهی اجتماعی است. همـان‌طور که پیش‌تر گفته شد مارکس به اختصاص، در باب هنـر و زیبـایـــی‌شناسی صحبت نکرده است؛ اما شیـوه نگرش او در متفکرین پیرو مارکسیسم، نظریات بنیـادین زیادی را به ارمغـان آورد که در فصـل‌های بعدی به آن می‌پردازیم.

٤| اقتصاد هنر

آنچه تاکنـون در اقتصاد هنر شمـــاره‌های قبلی چاپ‌خونه به آن پرداختیم، چرایی و چگونگی فعالیت در بازار هنری و شیوه ارزیابی آثار و نحوه ورودشان در یک چرخه دُرست عرضه و مبادله‌ی "هنـر" بوده است. این سؤال می‌تواند پیـش آید که این رودِ در حـــال جـریان که تـاکنون از میـان هزاران سنگ و صخـره، راه خود را پیداکرده و همچنان به فعالیت ادامه داده است، می‌تواند سر از مرداب دربیاورد. بازار هنری سراسر جهان، در تمامی ادوار تاریخ، در کنار هنـــرمندان، هنـــردوستان، سرمایه گذاران و مدیران گالری،" دلالان" هنری را نیز میزبان و همراه بوده است. هیچ گاه نمی‌توان منکر میزان فعالیت و تأثیرگذاری دلالان درروند و تغییر بازار هنری و دید منتقدان بر اثر و جنبه‌های فردی و اجتماعی آن شد؛ همچنین در دوره‌ای که جوامع در اوج مصرف گرایی خود به سر می‌برند، شیوه امرارمعاش هنرمندان و تأثیر آن بر آثارشان امری مهم و درخور توجه و تأمل است؛ اما نباید مـــرزهای فعالیت این گـــروه را با دیگر وجه‌های فعال در این حوزه ادغام کرد. چـراکه یک دلال هنری برای منـــافع مـالی خود، قادر است به‌گونه‌ای برای هنـــرمند برندسازی کنـد که تمـامی توجه و به دنبال آن مبادله‌ها، حاصل این بازار گرمی باشد. در این میـــان تفکرهای ناب و دیدگاه‌های خاص دیگر فعالان، در تاریکی پشت‌صحنه به فراموشی سپرده می‌شود. بنابراین روند صعودی دنیای هنر در خلاقیت، خودشناسی و شگفتی‌سازی ، به روندی نزولی از مبادلات بی‌منطق و شبانه تبـــدیل می‌شود. آنچه بسیاری از متفکران، راه رسیدن به اتوپیا یا آینه‌ای از جهان موصول نامیدند، به مصـرف گرایی صرف و شیطان فراوانی مبدل می‌شود.